

# دکتر جیم اشپیگل، فلسفه دین، جلسه ۱

## مقدمه‌ای بر فلسفه دین

جیم اشپیگل و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر جیمز اشپیگل در حال تدریس فلسفه دین است. این جلسه اول، مقدمه‌ای بر فلسفه دین است.

سلام و به دوره ما در فلسفه دین خوش آمدید. من جیم اشپیگل هستم. من دکترای فلسفه دارم و در فلسفه دین و اخلاق تخصص دارم و در هر دو زمینه آثاری منتشر کرده‌ام.

علاقه و فعالیت‌های علمی اصلی من در فلسفه دین مربوط به آموزه مشیت الهی و همچنین آموزه جهنم است. این دو موضوع، در کنار بسیاری از موضوعات دیگر، در اینجا مورد بحث قرار خواهند گرفت. بنابراین، بیایید با مقدمه‌ای مقدماتی بر فلسفه دین شروع کنیم.

فلسفه دین چیست؟ فلسفه دین، بررسی فلسفی مفاهیم، ایده‌ها و استدلال‌هایی است که به سنت‌ها و باورهای دینی مختلف مربوط می‌شوند. این شامل تحلیل انتقادی مفاهیم و مسائلی است که هم به باور و هم به عمل دینی مربوط می‌شوند. همچنین می‌توان آن را به گونه‌ای تفسیر کرد که شامل چیزی باشد که الهیات فلسفی نامیده می‌شود.

الهیات فلسفی شامل بررسی فلسفی یا انتقادی مفاهیم و آموزه‌ها در یک سنت دینی خاص است. مثلاً در مسیحیت، بررسی یا موشکافی دقیقی از منطق کفار، یا آموزه جهنم یا صفات خاص الهی وجود دارد. بنابراین در اینجا مروری بر موضوعاتی که در مورد آنها صحبت خواهیم کرد، آورده شده است.

ما با نگاهی به تعدادی از استدلال‌های خدا باورانه، استدلال‌هایی برای خدا، که گاهی اوقات بسته به میزان اطمینان شما به اعتبار این استدلال‌ها، اثبات‌های خدا باورانه نامیده می‌شوند، شروع خواهیم کرد. و تعدادی از این استدلال‌ها وجود دارد. استدلال کیهان‌شناختی، استدلالی برای وجود خداست که بر اساس نیاز به یک علت اولیه برای جهان استوار است.

برهان غایت‌شناختی یا برهان نظم. برهان اخلاقی برای وجود خدا. برهان ذهن یا آگاهی

یکی از آنها برهان هستی‌شناختی نام دارد که صرفاً از این ایده استدلال می‌کند که خدا موجودی کامل است و همه کمالات، از جمله قدرت مطلق، علم مطلق و خیرخواهی مطلق را دارد. بنابراین، برخی استدلال کرده‌اند که چون او کامل‌ترین است، باید کمال وجود را نیز داشته باشد. ما همچنین در مورد برهان‌های عملی یا پراگماتیک برای باور دینی صحبت خواهیم کرد که گاهی اوقات دلایل احتیاطی برای باور به خدا نامیده می‌شوند.

بنابراین، ما تعدادی استدلال برای وجود خدا خواهیم داشت که به آنها نگاه خواهیم کرد و همچنین در طول مسیر، اعتراضات به این استدلال‌ها را بررسی خواهیم کرد. ما به طور خاص در مورد الحاد و الحاد جدید، که در 10 یا 15 سال گذشته چیزی شبیه به یک جنبش فرهنگی بوده است، و برخی از رهبران آن جنبش و اینکه چرا آنها اینقدر مطمئن هستند که خدا نمی‌تواند وجود داشته باشد یا نباید خدایی وجود داشته باشد یا اینکه چرا، طبق گفته ریچارد داوکینز، حدود 99٪ احتمال دارد که خدایی وجود نداشته باشد، صحبت خواهیم کرد. بنابراین، ما در مورد الحاد جدید صحبت خواهیم کرد.

ما در مورد چیزی به نام معرفت‌شناسی اصلاح‌شده صحبت خواهیم کرد، که اساساً این دیدگاه را اتخاذ می‌کند که شما برای توجیه باور خود به خدا نیازی به استدلال ندارید. شما برای منطقی کردن باور خود به خدا نیازی به شواهد ندارید. این یک نقطه شروع مناسب یا یک باور اساسی برای مؤمن است.

می‌توانید با باور به خدا به عنوان یک فرض اساسی شروع کنید، و به گفته‌ی این معرفت‌شناس اصلاح‌شده این باور هنوز هم منطقی است. همچنین زمانی را صرف صحبت در مورد مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ایراد به باور دینی، یعنی مسئله‌ی شر، خواهیم کرد. چگونه است که یک خدای قادر مطلق، خیر مطلق و دانای کل می‌تواند چنین رنج و بی‌اخلاقی گسترده‌ای را که در این جهان می‌بینیم، مجاز بداند؟ این مسئله‌ی شر است. مؤمن مذهبی چه پاسخی می‌تواند برای پاسخ به این ایراد ارائه دهد؟ آیا راه حلی برای مسئله‌ی شر وجود دارد؟ ما به تعدادی از به اصطلاح تئودیسسه‌ها یا مسیرهایی که فیلسوفان و متکلمان در پیش گرفته‌اند، نگاهی خواهیم انداخت تا نشان دهیم که دلیل خوبی برای باور به این وجود دارد که خدا می‌خواهد شر را در این جهان مجاز بداند.

در رابطه با مسئله شر، برخی می‌گویند که چیزی به نام مسئله پنهان بودن الهی، ذیل مسئله شر قرار دارد. چرا وجود خدا، اگر وجود دارد، اینقدر نامشخص است؟ چرا واقعی بودن خدا قطعی‌تر و آشکارتر نیست؟ بسیاری این را نوعی ایراد می‌دانند. به نظر می‌رسد این واقعیت که خدا پنهان است، نشانه‌ای علیه باور خداپاوری است، زیرا اگر او وجود دارد، آیا نمی‌خواهد همه این را به طور قطعی بداند؟ چرا باید اینقدر استدلال و تحقیق کنیم تا باور خود را مبنی بر وجود خدا اثبات کنیم؟ ما همچنین در مورد آموزه جهنم از زوایای مختلف صحبت خواهیم کرد.

اول، به عنوان جنبه‌ای از مسئله شر، آیا واقعیت جهنم نوعی مدرک علیه باور دینی است؟ ما همچنین در مورد مسئله جهنم یا آموزه جهنم صحبت خواهیم کرد، دقیقاً از این نظر که اگر جهنمی وجود داشته باشد چگونه می‌توانیم ماهیت جهنم را درک کنیم، و به خصوص اینکه رنج برای نفرین‌شدگان چقدر طول می‌کشد؟ آیا همه در نهایت نجات می‌یابند، همانطور که جهان‌گرایان می‌گویند، یا مردم بدون آن تا ابد در جهنم رنج می‌برند؟ آیا عذاب ابدی برای نفرین‌شدگان است، همانطور که دیدگاه سنتی از زمان آگوستین چنین بوده است؟ یا، طبق دیدگاهی کمتر شناخته شده به نام جاودانگی مشروط یا نیستی‌گرایی، آیا جهنم از نظر طول رنج کسانی که در جهنم هستند، محدود است، یا حداقل بسیاری از کسانی که در جهنم هستند در نهایت از هستی خارج می‌شوند؟ آیا آنها در نهایت نابود می‌شوند و به نیستی که از آن آمده‌اند، باز می‌گردند؟ ما همچنین در مورد کثرت‌گرایی دینی و این سوال که آیا یک دین یا سنت دینی منحصرأ به این معنا که تنها راه رسیدن به خدا و یافتن رستگاری است، صادق است، صحبت خواهیم کرد. یا آیا ادیان مختلف به طور بالقوه برای رساندن مؤمنان به خدا و رستگاری نهایی کافی هستند؟ ما در مورد آموزه معجزات و کل این ایده که خدا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف اعمال معجزه‌آسا انجام می‌دهد صحبت خواهیم کرد. باور به وقوع معجزه در یک موقعیت خاص چقدر منطقی است؟ آیا اساساً با علم یا دیدگاه علمی در تضاد است که باور کنیم خدا، معجزه می‌کند؟ و چه زمانی، اگر اصلاً چنین چیزی وجود داشته باشد، ما در باور به اینکه یک مورد خاص مثلاً شفای یک شخص، واقعاً شامل مداخله معجزه‌آسای الهی است، موجه هستیم؟ و اگر چنین چیزهایی رخ دهد، آیا آنها همیشه یا همیشه نقض قوانین طبیعت هستند؟ ما در مورد رابطه بین علم و الهیات صحبت خواهیم کرد.

آیا در اینجا تنشی بین تحقیق تجربی، روش علمی و باور الهیاتی وجود دارد؟ آیا این دو چیز با هم سازگار هستند؟ اگر چنین است، آیا همانطور که برخی استدلال کرده‌اند، در واقع، دیدگاه الهیاتی بهترین نوع دیدگاه یا زمینه جهان‌بینی را برای انجام علم ارائه می‌دهد؟ بسیاری استدلال کرده‌اند که در واقع، علم به بهترین شکل انجام می‌شود؛ و به طور معقول‌تری در چارچوب باور دینی انجام می‌شود. ما همچنین در مورد آموزه مشیت الهی صحبت خواهیم کرد، که به مراقبت خداوند از خلقت و کنترل او بر جهان مربوط می‌شود. این [مقوله] چقدر گسترده است؟ خداوند تا چه حد تاریخ و زندگی افراد بشر را هدایت می‌کند؟ آیا در این سیستم نقشی

وجود دارد که خداوند فقط اجازه دهد برخی چیزها به خودی خود پیش بروند؟ یا شاید او فقط اجازه دهد کل جهان به خودی خود پیش برود و او اصلاً دخالتی نمی‌کند، همانطور که کسانی که دیدگاهی مثلاً خدا باورانه‌تر دارند می‌گویند.

بنابراین، ما به آموزه مشیت الهی نگاهی خواهیم انداخت و سپس با صحبت در مورد چند آموزه کلیدی در سنت مذهبی مسیحی، یعنی تجسم الهی و تثلیث الهی، بحث را به پایان خواهیم رساند. تجسم الهی با مشکلات فلسفی مرتبط است که در زمینه آموزه عیسی مسیح که هم انسان و هم الهی است، مطرح می‌شود درست است؟ خدا انسان شد و تجسم یافت. چگونه این یک تناقض نیست؟ چگونه باورهای خود، این دو باور، مبنی بر اینکه عیسی کاملاً انسان و کاملاً الهی بود را با هم تطبیق می‌دهیم؟ آیا می‌توان آنها را با هم تطبیق داد؟ و سپس، در مورد تثلیث، چگونه می‌توانیم به طور منسجم ادعا کنیم که خدا یک موجود است و در عین حال همزمان سه شخص، پدر، پسر و روح القدس است؟ آیا این یک تناقض است؟ همانطور که دوستان مسلمان ما و دیگران معتقدند، این در نهایت اعتقاد به چندخدایی است.

آیا می‌توانیم به طور منطقی ادعا کنیم که خدا سه شخص است و در عین حال یک خدا؟ این چگونه ممکن است؟ بنابراین اینها مسائلی هستند که ما به آنها خواهیم پرداخت. از حضور شما متشکریم.

این دکتر جیمز اشپیگل در تدریس فلسفه دین است. این جلسه ۱، مقدمه‌ای بر فلسفه دین است.